

سرتیپ میرحسین یکرنسیان

سیری در تاریخ ارتش ایران
از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰



انتشارات علمسته

۱۳۸۴

یکرنگیان، میر حسین. ۱۲۸۱ - ۱۳۲۸
سیری در تاریخ ارتش ایران (از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰)
میرحسین یکرنگیان. - [براست ۲] - تهران: خجسته، ۱۳۲۳.
۵۵۲ ص. مصور، جدول، نموده، عکس. - (انتشارات خجسته؛ ۶۴۸. تاریخ؛ ۶)
ISBN: 964-6233-59-7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Mir_Hossein Yekrangian.

A Survey of the History of the Iranian Army
(From the Beginning to September 1941)

کتابنامه به صورت زیرنویس. نمایه.

۱. ایران - ارتش - تاریخ. ۲. ایران - تاریخ - بهلوي ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰.

۳. یکرنگیان، حسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۲۸ - سال‌شمار. الف. عنوان

۹۵۰/۰۸۲۲

DSR ۱۱۹/۱

۸۳-۱۷۷۸۰

کتابخانه ملی ایران

۱۳۲۳



انتشارات خجسته

سرتیپ میرحسین یکرنگیان

سیری در تاریخ ارتش ایران

(از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰)

اجرای دیجیتالی عکس‌ها، متن،
و نظارت فنی چاپ عکس‌ها: جمال خدابنده

لیتوگرافی: قاسملو

چاپ متن: پژمان

چاپ عکس‌ها: گلبرگ

صحافی: حقیقت

شمارگان: ۳۰۰ - ۳۰۱ نسخه

چاپ اول: ۱۳۳۶

چاپ دوم، ویراست دوم: ۱۳۸۴

ارزش: ۸,۰۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ متن: جعفر یکرنگیان

نشانی: خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب

تلفن: ۰۲۸۳ ۶۴۶۰۲۸۳ صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۵۹۹

email: khojastebook@hotmail.com

● پیشگفتار

کتابی که پیش روی دارید، در فروردین سال ۱۳۳۶، در چهار صد و چهل صفحه، با سرمایه‌ی گردآورنده، تحت عنوان گلگون کفنان، یا گوشاهی از تاریخ نظامی معاصر، در هزار نسخه چاپ و منتشر شد. این کتاب، از آغاز انتشار تا کنون، مورد استفاده‌ی بسیاری از پژوهشگران ایرانی و خارجی قرار گرفته است و همواره از آن به عنوان یک اثر مهم و مرجع یاد کرده‌اند.

چهار سال پیش، بر آن شدم که این کتاب را تجدید چاپ کنم. از آنجا که متن کتاب را چندین بار خوانده بودم و با آن کاملاً آشنایی داشتم، عنوان سیری در تاریخ ارتش ایران – از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰ – را برای آن برگزیدم، زیرا موضوع اصلی کتاب، بر اساس همین عنوان می‌باشد.

در مورد تجدید چاپ این کتاب، اقدامات زیر انجام شده است:

● ابتدا، تمام حاشیه‌نویسی‌ها و یادداشت‌های زنده‌یاد سرتیپ یکرنسیان را که بر این کتاب نوشته بود (سال‌های ۱۳۳۶ – ۱۳۳۸)، در جای خود، به متن اصلی افزودم. سپس، از دفاتر خاطرات، تقویم‌های بغلی و یادداشت‌های پر اکنده‌ی ایشان، مطالبی را که از نظر تاریخی متناسب با متن کتاب بود، در جای خود، قرار دادم.

● پس از افزودن یادداشت‌های نگارنده‌ی کتاب، متن آنرا با کتاب‌ها و نشریاتی که حاوی تاریخ نظامی ایران هستند، مطابقت دادم و موارد اختلاف را یا در خود متن، در میان قلاب [] و یا در زیرنویس آوردم.

● برای روشن شدن پیش‌زمینه و چگونگی بعضی از وقایع تاریخی که در

این کتاب مطرح شده است، لازم دیدم که از منابع مختلف نیز استفاده شود. بنابراین، مطالب افزوده شده از منابع دیگر را در میان قلاب [۱] آوردهام و منبع را در زیرنویس ذکر کرده‌ام.

● نگارنده‌ی کتاب، تاریخ رویدادها، پیمان‌ها و فرمان‌ها را به صورت میلادی / قمری / خورشیدی، آورده است. در بعضی از قسمت‌ها، فقط به ذکر سال قمری یا میلادی یا هر دو، اکتفا کرده است. تا آنجا که امکان داشت، سعی شده است تمام سال‌های میلادی یا قمری، به سال خورشیدی نیز تبدیل شود.

از آنجا که بعضی از وقایع، فقط به صورت سال قمری یا میلادی، بدون ذکر «ماه، روز»، آمده بودند، بنابراین با مراجعت به منابع مختلف، تاریخ دقیق «ماه، روز»— و در بعضی موارد، فقط «ماه»— بعضی از آن سال‌های قمری یا میلادی را پیدا کردم و بر همین اساس، سال خورشیدی را به آن افزودم.

● چون از فروردین سال ۱۳۰۴، تقویم خورشیدی، تقویم رسمی شد، بنابراین، سال‌های خورشیدی قبل از سال ۱۳۰۴ را، همراه با حرف «خ» (مخفف خورشیدی) آوردم.

● در چاپ اولی کتاب، در بعضی موارد فقط به نام فامیل افراد اکتفا شده است. چون در این کتاب — اصولاً در تاریخ معاصر ایران — چند نفر با یک نام خانوادگی صاحب پُست و عنوانِ جداگانه بوده و هستند؛ مثل: جهانبانی، رزم‌آرا، شبیانی، افخمی و ... بنابراین، با مراجعت به منابع مختلف و پرسش از دانشوران گران‌قدر، حداقل کوشش را بکار بردم تا نام کوچک اشخاص نیز آورده شود.

● نام درجه‌ها و یگان‌های نظامی، همان طور که در چاپ اولی کتاب آمده بود، آورده شد. در صفحات ۲۷۲، ۴۲۳ و ۴۲۴ کتاب، اسامی قدیم و جدید درجه‌ها و یگان‌های نظامی درج شده است.

ولی برای سهولت کار و دستیابی آسان به اسامی قدیم و جدید درجه‌ها و یگان‌های نظامی، واژه‌های قدیمی و معادل آنها را — بجز اسامی مربوط به نیروی دریایی که در صفحات ۴۲۳ و ۴۲۴ آمده است — در جدول صفحه‌ی مقابل، به صورت الفبایی، آوردهام که دسترسی به آن آسان باشد.

اسامی قدیم و جدید در جهه‌ها و یگان‌های نظامی در ارتش ایران

ردیف	اسامی قدیم	اسامی قدیم	ردیف	اسامی جدید	اسامی جدید	ردیف	اسامی قدیم
۱	استوار	آسپیران	۲	یگانی که دارای رسته‌های پیاده	آتربیاد (واژه‌ی روسی)		
				نظام، سوار نظام و تپخانه باشد			
۳	ارکان حرب	ستاد ارتش	۴	ستاد	ارکان حرب		
۵	اسکادران	اسواران	۶	اسواران	اسکادران		
۷	باطالیون	گردان	۸	گردان	باطالیون		
۹	بهادران	اسواران	۱۰	اسواران	بهادران		
۱۱	تابین	سریاز	۱۲	سریاز	تابین		
۱۳	دیویزیون	لشکر	۱۴	لشکر	دیویزیون		
۱۵	زنزال	سپهبد	۱۶	سپهبد	زنزال		
۱۷	سلطان	سروان	۱۸	سروان	سلطان		
۱۹	قشون	ارتش	۲۰	ارتش	قشون		
۲۱	کاپیتان	سروان	۲۲	سروان	کاپیتان		
۲۲	لویتان	ستوان	۲۴	ستوان	لویتان		
۲۵	ماژور	سرگرد	۲۶	سرگرد	ماژور		
۲۷	نایب اول	ستوان پکم	۲۸	ستوان پکم	نایب اول		
۲۹	نایب سوم	ستوان سوم	۳۰	ستوان سوم	نایب سوم		
۳۱	وکیل اول	گروهبان پکم	۳۲	گروهبان پکم	وکیل اول		
۳۲	وکیل راست	گروهبان دوم	۳۴	گروهبان دوم	وکیل راست		

● فصل ۲۱، سال شمار زندگی نگارنده را بر اساس «سال» – و تا حد امکان – «ماه» و «روز» تنظیم کرده‌ام.

● نمایه را در سه بخش: (۱) نام کسان، (۲) نام جاهان، (۳) نام رده‌های عشایری (کوچنده‌ها) تنظیم کرده‌ام. در نمایه‌ی نام کسان، کوشش براین بوده است که نام «آشهره»، همراه با اسم کوچک آورده شود. برای بعضی از نام‌ها که دستیابی به اسم کوچک امکان نداشت، شغل یا عنوان و یا نسبت شخص را داخل پرانتز () آوردم. مانند: امام قلی خان (از سران ملیّون فارس)، حسن خان سرتیپ - موسیقی‌دان)، سیف‌الله (پسر امیر مؤید).

در نمایه‌ی نام جاهان، اسم شهرهای بندری، پل‌ها، «تنگ‌ها»، جزیره‌ها، دروازه‌ها، دریا و دریاچه‌ها، دژها و قلعه‌ها، رودها، کاخ‌ها و گردنه‌ها، همراه با وضعیت مکانی‌شان آمده است؛ مانند: بندر بوشهر، پل خاتون، تنگ مازین، جزیره هرمز...

● در آخرین قسمت، شامل نقشه‌ها و عکس‌ها، کوشش براین بوده است که نقشه‌ها و عکس‌ها، و سایر تصاویر با متن هماهنگ باشند و ترتیب تاریخ حفظ شود، و برای زیرنویس آنها، تا آنجا که امکان داشت، از متن کتاب استفاده شده است.

● زیرنویس‌هایی را که نویسنده‌ی کتاب توضیح داده است، با حرف «ن» (مخفف نگارنده) و آنهایی را که من توضیح داده‌ام، با حرف «و» (مخفف ویراستار) مشخص شده‌اند.

در این چهار سال، استادان و دوستان گرانقدرم، هرگونه کمک (چه به صورت راهنمایی و چه به صورت در اختیار گذاشتن منابع) را از من دریغ نداشتند؛ بزرگوارانی چون: سرهنگ ستاد محمد ایروانی مقدم، سرتیپ مرتضی بایندربان، کاوه بیات، بهمن (حسین) تحولی، محمدعلی (ایرج) تحولی، عبدالله تربیت، محمد ترکمان، محمدحسین خسروپناه، محمد رفیعی مهرآبادی، علی دهباشی، فیروز شافعی، جمشید صداقت‌کیش، جواد صفی‌نژاد، مجید عباسی، جلال فهیم هاشمی و مهدی محمدی مرا برای همیشه سپاسگزار خود کردند.

از دوست عزیز و گرانقدرم آقای ابوالقاسم (محمد) فیض‌آبادی - مدیر نشر نخستین - که حروفچینی این کتاب را به عهده داشتند و تمام زحمت‌های مربوط به حروفچینی این اثر را با رویی گشاده و تُردبارانه پذیرا شدند، سپاس بی‌کران دارم.

زنده‌یاد سرتیپ میرحسین یکرنگیان، دوازده کتاب تألیف کرد. مقاله‌های متعدد تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی - انتقادی برای نشریات نوشت که حاصل این خدمات فرهنگی، یک قطعه «نشان درجه ۳ دانش نظامی» بود. پادشاه گرامی باد.

تهران، جنت‌آباد

خرداد ۱۳۸۳

رضا یکرنگیان

● فهرست

○ سرآغاز.....	۱۱
○ ۱ ارتش ایران از دوران هخامنشیان تا هجوم تازیان.....	۱۳
○ ۲ ارتش ایران در دوران صفویه	۱۷
○ ۳ تحولات ارتش ایران در دوران نادرشاه افشار.....	۲۱
○ ۴ زندیه و دوران آرامش در ایران.....	۲۳
○ ۵ آقا محمد خان قاجار و درگیری‌های نظامی	۲۵
○ ۶ فتحعلی‌شاه و شکست‌های بزرگ نظامی	۳۱
○ ۷ ارتش ایران در دوران محمدشاه.....	۶۵
○ ۸ ارتش ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه	۷۱
○ ۹ ارتش‌های رنگارنگ.....	۸۷
○ ۱۰ تاریخچه‌ی آموزشگاه‌های نظامی ایران.....	۲۱۵
○ ۱۱ کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خ.....	۲۴۷
○ ۱۲ سال ۱۳۰۰ خ، پایه سازمان نوین ارتش	۲۵۵

- ۱۳۰ تاریخچه نیروی دریایی ایران ۲۷۵
- ۱۴۰ تاریخچه نیروی هوایی ایران ۲۸۷
- ۱۵۰ ایلات و عشایر در مناطق مرزی ایران ۲۹۵
- ۱۶۰ رزم‌های داخلی ۳۰۹
- ۱۷۰ حوادث ناگوار شهریور ۱۳۲۵ ۳۶۵

پیوست‌ها

- ۱۸۰ تاریخچه نیروی دریایی نوین ایران و شرح وقایع شهریور ۱۳۲۰ ۴۰۹
- ۱۹۰ (برگ‌هایی از دفتر خاطرات)
زمینه و علل شورش ایل بختیاری در سال ۱۳۰۸ ۴۲۵
- ۲۰۰ (برگ‌هایی از دفتر خاطرات)
شرح مختصری درباره تعدادی از امیران ارتش (قبل و بعد از کودتای ۱۲۹۹ خ) ۴۳۵
- ۲۱۰ گاهشمار زندگی زنده‌یاد سرتیپ یکرنگیان ۴۴۳
- ۲۲۰ نمایه ۴۹۷
- ۲۳۰ نقشه‌ها و عکس‌ها ۵۵۱

● سرآغاز

مادامی که ساختمان جسم و دماغ بشر متفاوت و طبایع و عقاید آن متباین و ممتازترین درجه‌ی تمدن را طنی نکرده است و کشورها، هنوز دارای موقعیت جغرافیایی و منابع ثروت و رژیم‌های گوناگون هستند و روابط بین‌الملل بر پایه‌ی همکاری و همدردی حقیقی استوار نگردیده است، خواه ناخواه، جنگ و سیز رواج همیشگی خود را خواهد داشت.

صلح عمومی – جهت متارکه‌ی جنگ – فقط برای آماده شدن در مسابقه‌ی تسليحاتی است.

قانون کلی تنازع بقا و مشهودات ما در جنگ‌های جهانی و محلی، این موضوع را ثابت کرده است که ملت‌ها به همان اندازه مستقل و سرافراز خواهند ماند که در برابر مشکلات روزگار و قدرت آزمندان، ثابت قدم، هوشیار و نیرومند باشند.

تو پیروزی آر، پیش‌دستی کنی سرت پست گردد، چو سستی کنی از دیرگاه، جنگ و صلح، این دو عامل متضاد، سورد بحث و گفت‌وگوی فلاسفه، نویسنده‌گان و سیاستمداران جهان بوده است و هرکدام برای اثبات مدعای خویش داد سخن داده و برای پیش بردن منظور خود، دلایل و شواهدی اقامه کرده‌اند.

ولی آنچه که مسلم و مورد اعتراف آنان است، این است که ارتش، به تنها یکی از عناصر مؤثر جنگ می‌باشد، بلکه بهترین ویژه برای حفظ صلح به شمار می‌آید. وجود ارتش مجهز و نیرومند برای تحقیق آمال و آرزوی آنان – فلاسفه، نویسنده‌گان، سیاستمداران – ضروری می‌باشد، زیرا آنان، جملگی برآئند که ابقاء صلح و آرامش امکان‌پذیر نیست مگر با اعمال قدرت و داشتن ارتشی نیرومند، تا بتواند اراده‌ی جنگ را از دشمنان خود سلب نماید.

پس، جنگجو و صلحجو، هر دو باید برای رسیدن به مقصود، آماده‌ی کارزار باشند. اظهارات کسانی که سنگ صلح را به سینه می‌زنند و خود را دوستدار و غم‌خوار نوع بشر معرفی می‌نمایند، از هر لحاظ در خور غور و بررسی است. زیرا کمتر اتفاق افتاده و می‌افتد که حقیقتاً عشق به صلح و بشردوستی، کمال مطلوب و محرك اصلی این اشخاص باشد. زیرا

آنچه به تجربه مشاهده شده است و در عمل به اثبات رسیده، آن است که ادعای صلح طلبی و بشردوستی، برای مخفی کردن مقاصد واقعی و رسیدن به هدف‌های شیطانی شان می‌باشد. آنان در دوران سُستی و کمزوری دست به این تشیّبات می‌زنند و اغتنام فرصت می‌نمایند.

عاقل آن است که فریب افکار فریبنده‌ی «صلح خواهی» آنان را نخورد و در اندیشه‌های واهمی و پوچ، میدان را برای آنان خالی نگذارد. کسانی که ظاهراً آواز «صلح خواهی» سر می‌دهند، دو دسته هستند: دسته‌ای می‌گویند، حسن نوع پروری بشر و پیشرفت تمدن، مانع از بروز جنگ خواهد شد و عوامل اخلاقی مؤثر، سرانجام بر واقعیت جنگ چبره خواهد شد. دسته‌ای دیگر معتقدند، اختلافات بین‌المللی از راه داوری و حکمیت، حل و فصل خواهد شد و نیازی به جنگ مسلحه‌انه نیست. ولی در همین دوران [۱۳۳۵ خ / ۱۹۵۶ م] دیدیم که متعدد‌ترین دولت‌های جهان، برای پیش‌رفت مقاصد خود، اصول عقیده‌ی این دو دسته را زیر پا گذارده و برای دستیابی به مقصودشان، آب‌های نیلگون کانال سوزن را از خون جوانان عرب گلگون ساختند.^۱

آنان ثابت کردند که فقط با بکار بردن زور و جنگ و خشونت می‌توانند نهال آمال و آرزوهایشان را آبیاری کنند.

جنگ یک حقیقت زشت و ناپسند است ولی خواهناخواه، همچنان گریبان‌گیر بشر می‌باشد و تا زمانی که تمام ملل و اقوام جهان صلح‌دوستی را پیشه خود نسازند و به جنگ با دیدی نفرت‌انگیز نگاه نکنند، این واقعیت مخوف، گهگاه، خود را نمایان می‌سازد.

خرداد ۱۳۳۶

میرحسین یکرنسکیان

تهران، خیابان ری، کوچه آبشار، پلاک ۲۰۴

۱. اشاره به حمله‌ی انگلیس و فرانسه به مصر از تاریخ سی ام اکبر تا پنجم نوامبر ۱۹۵۶. — و